

برنامه‌درسی آینده ایران

چکیده‌ای از مقاله ارائه شده در همایش «تحول بنیادین در نظام برنامه‌درسی ایران»

قدرت می‌شود.

۱۲. مفهوم سرمایه نیز دچار تحول شده است. سرمایه دیگر فقط چیزهای سنتی، مانند پول، زمین، و منابع نیست بلکه سرمایه انسانی، اجتماعی، و فرهنگی نقشی مهم‌تر از آن‌ها به دست آورده است.

۱۳. متن به معنای گذشته نیز دگرگون شده است و متن‌ها به هم موکول شده‌اند و اگر آبر متن‌هایی مانند شبکه جهان گستر موضوعیت پیدا کرده است.

۱۴. مخاطب‌ها دیگر محدود نیستند و مخاطب‌های نامحدود و «آبر مخاطب» ظاهر شده‌اند.

آنچه در این ۱۴ وجه تحول محیط برنامه درسی بیان شد، بدون شک همه ابعاد آن را در بر نمی‌گیرد ولی نشان می‌دهد که دامنه تغییرات تا چه اندازه گسترده است. بوم‌شناسی جدید یادگیری در ورای جنبه‌های ظاهری و فناوری آن خبر از دگرگونی عمیق در مدل برنامه‌درسی می‌دهد که جنبه‌های وسیع رفتاری و فرهنگی دارد. پیدایش اینترنت فقط یک تحول فنی متعارف نیست، بلکه جنبه‌های فرهنگی نیز دارد و مدل‌های ارتباطی و اندیشمندی نوینی را در حوزه برنامه‌درسی به همراه می‌آورد.

دیگر نمی‌توان آموزش و پرورش را با افکار ممنوع، مدارس حراست شده، متن‌های محدود، کلاس‌های تک‌صدایی و معلمان با افکار دست‌چین شده را تصور کرد. بلکه شبکه‌های چندرسانه‌ای و چندمتنی وجود دارد.

برنامه‌درسی شبکه‌های ناهمگن از کنشگران متعدد است: شبکه متشکل از «انسان-انسان» (مانند معلمان و دانش‌آموزان متعلق به نسل‌های مختلف) و «انسان-اشیا» (اعضای کلاس درس با وسیله‌های کمک آموزشی، MP3ها، اسلایدهای پاورپوینت، فراگیران دارای نوت بوک، لپ‌تاپ، تبلت که آن‌ها را مدام با اطلاعاتی گسترده و سیال درگیر می‌کند).

«اشیا-اشیا» (رایانه‌هایی که به هم متصل شده‌اند و اینترنت را به وجود آورده‌اند و عالم صغیر کلاس درس و یاددهی-یادگیری را هر لحظه به عالم کبیر جهانی متصل کرده‌اند).

«انسان-اشیا-انسان» (فراگیری که از طریق فناوری اطلاعات و ارتباطات چندرسانه‌ای امکان ارتباط با سرعت نور با یکدیگر را دارند. مدرسه، جامعه، بازار در هم تنیده‌اند).

یاددهی-یادگیری در آینده در شبکه‌ای ناهمگن با ساخت متکثر، چندگانه، غیرخطی و فوق‌العاده پیچیده صورت می‌گیرد.

برنامه‌درسی آینده باید با توجه به آزادی، برابری، کثرت و مشارکت تنظیم شود، چندرسانه‌ای و چندصدایی باشد، میان رشته‌ای شدن و جهانی شدن در آن دخیل باشد و در عین حال جنبه‌های بومی و محلی را نیز کاملاً در نظر بگیرد. آمادگی گفت‌وگوهای چند فرهنگی را داشته باشد، هویت‌ها و سبک‌های متنوع را در نظر بگیرد، و از قید زمان، مکان، و فاصله آزاد باشد.

پیدایش محیط‌های نوین یادگیری با گشودن امکانات و افق‌های جدید برای «برنامه‌درسی» آن را با چالش‌های تازه‌ای نیز روبه‌رو ساخته است. یک جنبه این تحولات به ابعاد فناوری ناشی از انقلاب الکترونیکی مربوط می‌شود. با این همه، ابعاد مسئله از سطح صرفاً فنی فراتر می‌رود و عمق و دامنه آن به شدت در حال رشد است. دگرگونی‌های مهمی در ساختار و ارتباطات جامعه نوین اطلاعاتی صورت می‌گیرد.

با ظهور شبکه‌های اطلاعاتی جامعه‌ای به وجود آمده است که در آن مدل گفتمان و دامنه کارکرد ذهن بشر تحول می‌یابد. تحولاتی که روز به روز گسترش می‌یابند و از نوع پیوسته متعارف نیستند. بلکه دگرگونی‌هایی ناپیوسته‌اند که تغییراتی عمیق در محیط‌های یاددهی-یادگیری به وجود آورده‌اند. نه تنها وسیله‌های رسیدن به هدف‌های برنامه‌درسی تغییر کرده است، بلکه خود اهداف نیز موضوع بحث و گفت‌وگو هستند.

چرا باید از «بوم‌شناسی برنامه‌درسی» سخن به میان آورد؟ زیرا در محیط برنامه‌درسی و در ارتباط با آن چیزی نمانده است که با تغییرات عمیق و گسترده دست به گریبان نباشد:

۱. افرادی که برنامه‌درسی برای آن‌ها تدوین می‌شود در معرض تغییرات گسترده قرار دارند و اطلاعات، مفاهیم، رفتارها و عادت‌های آن‌ها در معرض دگرگونی است؛ رعیت‌ها جای خود را به شهروندها داده‌اند؛

۲. گفتمان‌های دخیل در برنامه‌درسی (مانند گفتمان حقوق بشر، مردم‌سالاری، برابری و مانند آن) تغییر کرده‌اند؛

۳. نهادها، خانواده، مدرسه، بازار و مانند آن، تحول یافته‌اند؛

۴. روابط، مناسبات، ساختارها و فرهنگ (مناسبات پدرسالاری و برتری جنس مذکر) دگرگون شده است؛

۵. اشیا و ابزارها تغییر کرده‌اند. به عنوان مثال، رایانه جایگزین ماشین حساب شده است و اینترنت جای پست و تلگراف را گرفته است؛

۶. فضا و مکان به شدت دگرگون شده است. اکنون مکان بیش از آنکه محلی خاص باشد یک جریان است، یعنی افقی یا چشم‌انداز؛

۷. ساخت و عملکرد رسانه عمیقاً تغییر کرده است؛ کتاب‌های کاغذی با شمارگان محدود را با کتاب‌های الکترونیکی و فرستنده‌های محدود تلویزیونی را با شبکه‌های ماهواره‌ای مقایسه کنید؛

۸. رویدادها متحول شده‌اند؛ بسیاری از رویدادها دیگر در فضا-زمان متعارف فیزیکی صورت نمی‌گیرند، بلکه می‌توانند مجازی نیز باشند.

۹. سرشت ارتباطات تغییر کرده است. مسافت‌های گذشته دیگر معنی ندارند، به طوری که از «مرگ فاصله» صحبت به میان می‌آید.

۱۰. سازمان‌های کار و خدمات تحول می‌یابند؛ (دانش بنیان می‌شوند، یادگیرنده می‌شوند...).

۱۱. قدرت نیز دیگر از فردی به فرد دیگر و از گروهی به گروه دیگر منتقل نمی‌شود، بلکه ایده، دانایی، و معناست که باعث